

سیمین

نگارگری در چگونگی استمرار فرهنگ ملی از سینه با بربرستان ساسانی تا دوره ساسانی

سازنده: ازین در

(۴)

دکتر مهدی غروی
بنیاد شاهنامه فردوسی

«۱۷»

اکتشافات آثار برجای مانده هنری این نواحی نیز یک نام شناخته شده شاهنامه‌ای بود، افراسیاب.

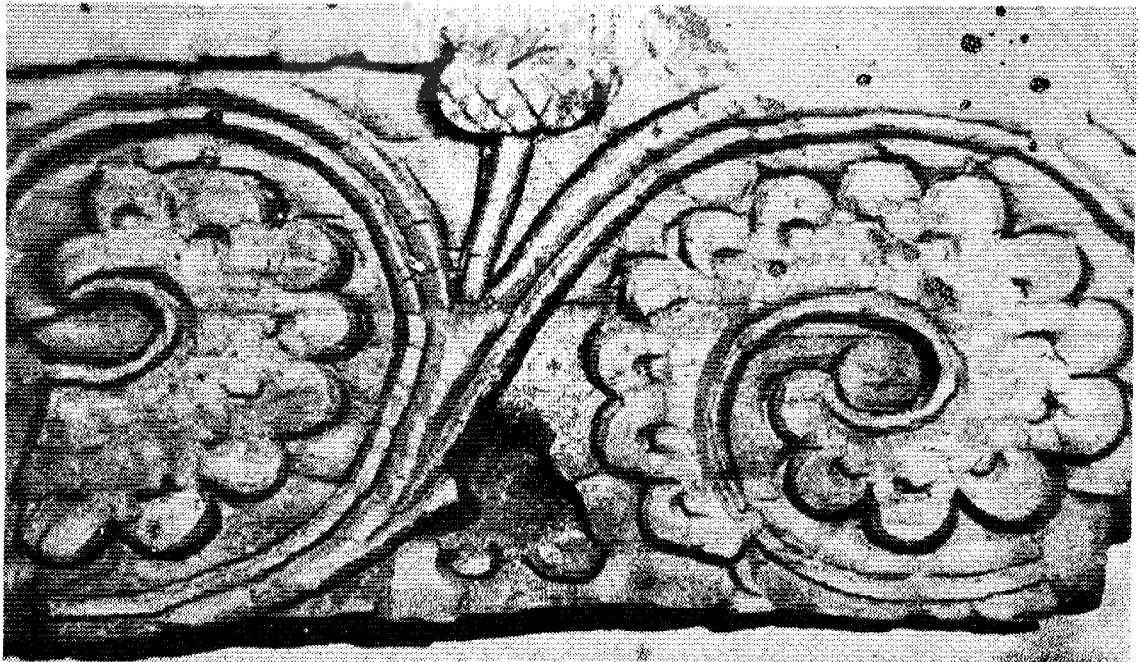
سرزمین آسیای مرکزی که محل پیداشدن آثار مانوی است، شاهنامه از دو نقطه نظر بستگی دارد، نخست وجود نقاشی‌های مانوی که پایه و اساس نقاشی کتابی ایران شد و کار مجلس کشی شاهنامه را بنیان نهاد. دوم ازین لحاظ که سرزمین تکوین حماسه بزرگ ما، و وقوع حوادث پهلوانی شاهنامه، آسیای مرکزی بوده و به ویژه کشمکش‌های میان ایرانیان و تورانیان در دوران پادشاهی کیکاوس و کیخسرو، عصر پهلوانی رستم، این سرزمین بوده است و تصادفاً نقطه آغاز

«۱۸»

در سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ در جمهوریهای شوروی آسیای مرکزی، آکادمی علوم تأسیس شد. انستییوی تاریخ و شعبه مهمش باستانشناسی نیز از مراکز علمی این آکادمی بود، مقارن با همین احوال قوانینی وضع شد که برپایه آن هرگونه تأسیسات جدید صنعتی و شهرسازی و آبیاری، باید با توجه و تصویب این

مؤسسات، از لحاظ حفاظت آثار باستانی، باشد. از سوی دیگر این اکتشافات با روشهای درست و حساب شده بدون توجه به هزینه و برداشت صورت پذیر گردید، مثلاً باروشی که متأسفانه مورگان در اکتشافات شوش داشت قابل مقایسه نبود. مورگان برای بررسی لایه‌های مربوط به اعصار پیش از هخامنشیان تمام لایه‌های روئین را خراب کرد و سر لئونارد وولی Woolley که در عراق جنوبی کار میکرد فقط به تمدن اور Ur و به خصوص طلاهای مکشوفه ازین سرزمین توجه داشت. نتیجه کار این تأسیسات و پیش گرفتن رویه‌های علمی جدید، انتشار

کنده‌کاری روی چوب، متعلق به اواخر قرن اول هجری (اواخر قرن هفتم میلادی). این تزئینات حاشیه‌ای که چند قرن بعد در کار کتاب آرائی و تزئینات معماری اسلامی رواج فراوان یافت، در کارهای کج‌بری و فلزکاری ساسانی سابقه‌ای درخشان داشت.







شرح عکس صفحه روبرو : نوازنده چنگ ، از بهترین تصاویری است که از پنج کنت بدست آمده (قرن اول هجری) هاله نور که در نظر دانشمندان فرنگی اثر نفوذ نقاشیهای نستوری است می تواند سرچشمه ای از مشرق داشته باشد ، بهر صورت منشاء این پدیده مهرپرستی است .
 بالا : کتری فلزی قلمزنی شده . بدون تاریخ احتمالاً از قرن ششم یا هفتم (قرن ۱۳ یا ۱۳ میلادی) که امروز به موزه بریتانیا تعلق دارد ، در تصویر نخست دیدیم که نقش يك انسان نشسته در میان انبوه نوشته های تزئینی ظاهر شده و اکنون درین نقش که چند سال بعد تهیه شده نقوش متعدد مشاهده می شود ، انسان نشسته در بالا ، چهار زانو ، دستها روی پاها نهاده شده ، درست همانند نقش بودا ، دو نقش جنبی نیز حالت تقدسی را ارائه می کنند که بدون تردید ارمغان سرزمینهای شرقی خراسان، آسیای مرکزی و هند است. در ردیف پائین مجلس های رزم و بزم نیز دیده می شود که بعدها در کتاب سازی و مجلس نگاری کتابی ایران مورد تقلید قرار گرفت و راه تکامل پیمود .

ژئوشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

nitsky, James Hogarth. Ancient Civilization, Jean Marcadé.

خود مؤلف منبع اصلی خود را گزارشهای لیتونیسکی وزیمال در باب آدینه تپه ذکر می کند.
 B.A. Litvinsky, T.I. Zeymal, Adzhina-Tepe.

و به عنوان معرفی آخرین اکتشافات که درین خطه صورت گرفت ، از کتاب ورخشه تألیف شیش کین عضو آکادمی علوم شوروی نام می برد.
 V.A. Shishkin, Varakhsha, Moscow, 1963.

نگاه کند به صفحه های ۲۰ و ۲۲۵ کتاب آسیای مرکزی .

گروهی از دانشمندان خالی از ارزش است، آثاری از يك حماسه قدیمی ایران دانستند و بارتلد آنها را از يك منشاء باختری سکائی دانست که قرن ها بعد فردوسی به نظم کشید بارتلد از گروه ایرانشناسانی است که شاهنامه

۱ - منبع نویسنده درین باب کتاب آسیای مرکزی تألیف الکساندر بله نیتسکی است که جز هوگارت آنها را به انگلیسی ترجمه کرده است و در جزو گروه کتابهای تمدنهای باستانی زیر نظر ژان مارگاد استاد باستانشناسی دانشگاه بر دو بسال ۱۹۶۹ در لندن انتشار یافته است.

Central Asia Aleksander Bele-

جزوه ها و گزارشهای پرارزشی درباره باستانشناسی و گذشته این سرزمین ها بود و کتابهای چندی نیز درین باره تألیف شد.

یکی از علل توجه عمیق دانشمندان جهان به اکتشافات آسیای مرکزی و بستگی استوار آن با شاهنامه ، تحریرات کتیراس طبیب دربار اردشیر دوم هخامنشی (از ۴۰۵ تا ۳۵۹ پیش از میلاد) می باشد که برخی از آن به دست ما رسیده است ، از میان دانشمندان معاصر ، مارگوارت و بارتلد ، نوشته های کتیراس را که به نظر

را حماسه ایران شرقی میدانند.^۲

کریستن سن در اثر معروف خود کارنامه شاهان (ترجمه به فارسی: استاد دکتر ذبیح الله صفا) فصل خاصی را به بحث در باب آثار مورخان مغرب: هردوت، کریاس و کرفنون، و حماسه ملی ایران اختصاص داده است، عنوان این فصل افسانه‌های شاهی در سنتهای مادی و پارسی باستان است.

به نظر کریستن سن اهمیت آثار برجای مانده کریاس، قطعاتی به نام پرسیکا که توسط گیل مور انتشار یافت، از این لحاظ است که کریاس از سالنامه‌های شاهی

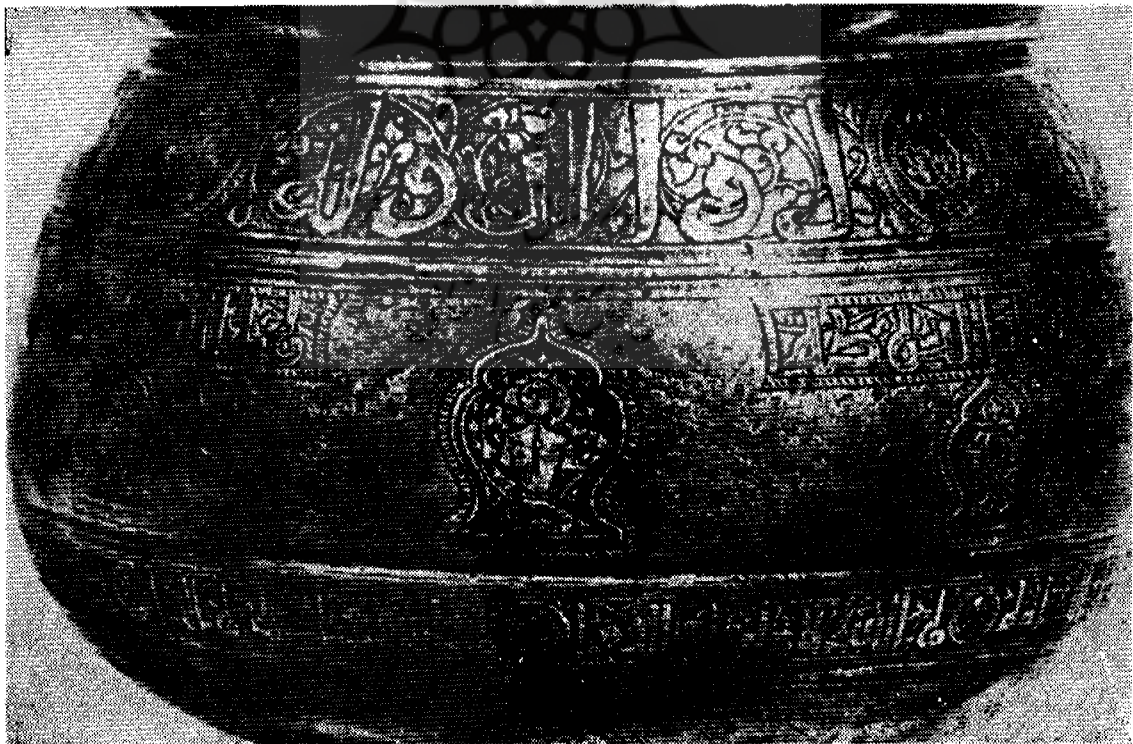
استفاده کرده بوده است. کریستن سن به تفصیل روایات حماسی کریاس را با روایات شاهنامه فردوسی مقایسه کرده و نتایج قابل ملاحظه‌ای نیز گرفته است که جای بحث و ارائه آن این گفتار نیست. روسها، اکتشافات خود را درست در همان سال که سمرقند را تصرف کردند، ۱۸۶۸، درین شهر آغاز نمودند، البته پیش از آن نیز گروه باستانشناس روسی در سمرقند کارهایی کرده بودند و نقاش و معمار معروف روس ورشاکین Vasily Vereshchagin تحت تأثیر این اکتشافات اولیه، آثار مهمی را با الهام از این مظاهر

هنری ارائه کرد.

همانطور که گفتیم نقطه شروع افراسیاب نام داشت که در شمال سمرقند واقع است و در کنار رودخانه‌ای به نام گاشکاریا که شعبه‌ای است از رود جیحون. کار علمی در ناحیه افراسیاب از ۱۸۷۵ آغاز شده بود و تا امروز (۱۹۶۹) ادامه دارد.

کارهای نخستین را افسران روسی به مرحله اجرا درآوردند اما به تدریج باستانشناسان جای ایشان را گرفتند، نخستین کتاب معروف علمی درین باب به سال ۱۸۹۰ تحت عنوان خرابه‌های مرو قدیم توسط

کتری فلزی با نقشها و تزئینات جالب، کار محمد بن عبدالوحید و مسعود بن احمد، هرات ۵۵۹ (مطابق با ۱۱۶۳ میلادی)، این ظرف که در موزه ارمیتاژ لنینگراد نگهداری می‌شود نمایانگر تحولی است که در کار هنری صنعتگران مسلمان، پس از رسیدن نخستین موجهای رنسانس ایرانی، توسط ساکنان آسیای مرکزی به خراسان، ظاهر گردید. به تصویر انسان نشسته‌ای که موهای بلند دارد و دستهایش را بالا گرفته است و چهارزانو نشسته توجه کنید، این نقش از آسیای مرکزی است و با اعتقادات مسلمانان متعصب فرمانروا در خراسان توافق نداشته است.



V.A. Zhukovsky: The ruins old Merv.

از جمله نشریات مهم و قابل ذکر درین باب گزارشات باستانشناسی تاشکند است که تاکنون بیست دوره آن انتشار یافته ، آثار یافته شده در ناحیه افراسیاب را می توان در موزه سمرقند ملاحظه کرد .

روی هم رفته سه دوره ممتاز در باب این اکتشافات مشخص می گردد . نخست سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸ که ادامه آن به سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۴ هم کشیده شد ، دانشمندان در سال ۱۹۳۲ ، در ناحیه ترمذ و زرافشان گنجینه مهمی از آثار سغدی یافتند .

دوره دیگر از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۰ است که حفاریهای شواخی برنشتام و جنوب قزاقستان به انجام رسید و باینکه آغاز جنگ در آن وقفه ای به وجود آورد ، دامنه آن تا سال ۱۹۴۴ کشیده شد . درین سالها چهار گروه در جمهوریهای قزاقستان و تاجیکستان (منطقه سغد - تاجیک) و قرقیزستان و ترکمنستان جنوبی فعالیت داشتند .

«۱۹»

به نقش مهم او یغورها در انتقال مجدد آثار هنری ایرانی از آسیای مرکزی به ایران شرقی و مرکزی اشاره کردیم و اکنون که در باب آسیای مرکزی و آثار مکشوفه در آن برخی چیزها دانسته ایم بار دیگر متوجه این دولت و پایتخت کهن آن که از مراکز مهم فرهنگ انتقالی ایرانی است می شویم .

این شهر که ایدی کوت شهری Idiqu Shahri نام داشت ، یکی از اقمار بزرگ مجموعه تورفان شمرده می شود ، دره زود ساجیم که دوران طلایی و درخشش آن ، سالهای ۱۳۰ تا ۲۳۰ هجری (۷۵۰

تا ۸۵۰ میلادی) بود.^۳

از نقطه نظر بحثی که ما در پیش گرفته ایم ایدی کوت از اهمیت فراوان برخوردار است ، دیوارهای این شهر هنوز پابرجاست و یاد آورد دورای است که ساکنان مانوی شده شهر ، به ارائه کارهای هنری مهم سرگرم بودند (از ۷۶ تا ۱۴۵ هجری) نقطه اوج این عصر درخشش هنری دوران پادشاهی بوقوخان است (۱۶۴ تا ۷۵۹ هجری) (۷۸۰ میلادی).^۴

در نیمه قرن نهم میلادی (اواسط قرن سوم هجری) این شهر ، توسط قیرقیزها خراب شد . باستانشان آثار مانوی یافته شده درین شهر خراب شده را به دو گروه قسمت می کنند یکی عمارات مرکزی شهر و دوم صومعه ای در قسمت جنوب غربی آن . از بناهای مرکزی شهر ، عمارت شمالی یک چهار طاقی است که گنبدی ایرانی دارد ، با چهار ایوان ، درین ایوانها برخی آثار مانوی برسم الخط سغدی ، او یغوری و مانوی به زبانهای سغدی یا ترکی یافت شده باد و نقاشی جالب.^۵

عمارت غربی سخت خراب شده ، اما آثاری از نقاشی های دیواری ، پارچه های مقدس مذهبی و درباری و نسخ گوناگون خطی یافت شده ، به حدی که بدان کتابخانه اطلاق کرده اند . در گروه عمارات جنوبی در اطاق بزرگی که در وسط واقع شده نقاشیهای دیواری بسیاری وجود داشته که آنها را به برلن منتقل کرده اند و اکنون در موزه دولتی این شهر نگهداری میشوند ، تصویری که محتملاً چهره مانی را نشان می دهد یکی از همین نقاشیهاست . عمارت غربی فقط یک چهارطاقی بزرگ کتیبه دار است . در خرابه های صومعه ای که در بخش جنوب غربی شهر قرار داشته یک تصویر که تصور می شود نمایانگر چهره مانی است ، مقداری نسخه خطی بودائی و مانوی و یک صفحه بزرگ که دورویش نقاشی شده پیدا کرده اند ، این نقاشی زیباترین تصویری است که تا امروز از تورفان استحصالی

کرده اند.^۶

در پارخنو Yarkhoto که در دوران پادشاهی سلسله های هان و تانگ پایتخت بوده است یکی از مهمترین نسخه های دستنویس مانوی ، کتابی مصور و مذهبی بنام خستوآینفت Khuastuanift پیدا شد .

در ناحیه توبوق در یک صومعه نیمه ویرانه ، مقدار زیادی نسخه خطی مانوی و سریانی یافته شد ، در همین ناحیه است که خرابه های آپسوس نیز واقعه شده ، این کلمه در زبان محلی همان معنای افسوس را می دهد که مسلمانان بدان شهر دقیانوس می گویند ، جائیکه اصحاب کهف به خواب رفتند و بیدار شدند .

در محلی موسوم به تن هوانک نیز برخی اسناد مانوی پیدا شد که حائز اهمیت

۲ - آسیای مرکزی ، ص ۵۲ و ص ۲۲۵ که منبع تحقیق خود را شرح زیر معرفی می کند :
V.V. Bartold "Kistorii Persidskogo eposa."

ترجمه آن به فارسی چنین است : یادداشتی در باب تاریخ ادبیات حماسی ایران در جلد ۲۲ گزارش های باستانشناسی دولت امپراتوری روسیه ، پتروگراد ۱۹۱۵ ص ۲۵۷ .

۳ - مطالب ارائه شده درین بخش بیشتر از مقاله او گو مونورت دوویلارد که ترجمه انگلیسی آن توسط خانم پوپ (فیلیس اکرمز) تحت عنوان بستگیهای هنر مانوی و هنر ایرانی در مجلد پنجم بررسی هنر ایران درج شده است . صفحه های ۱۸۲۰ تا ۱۸۲۸ ، اقتباس شده .

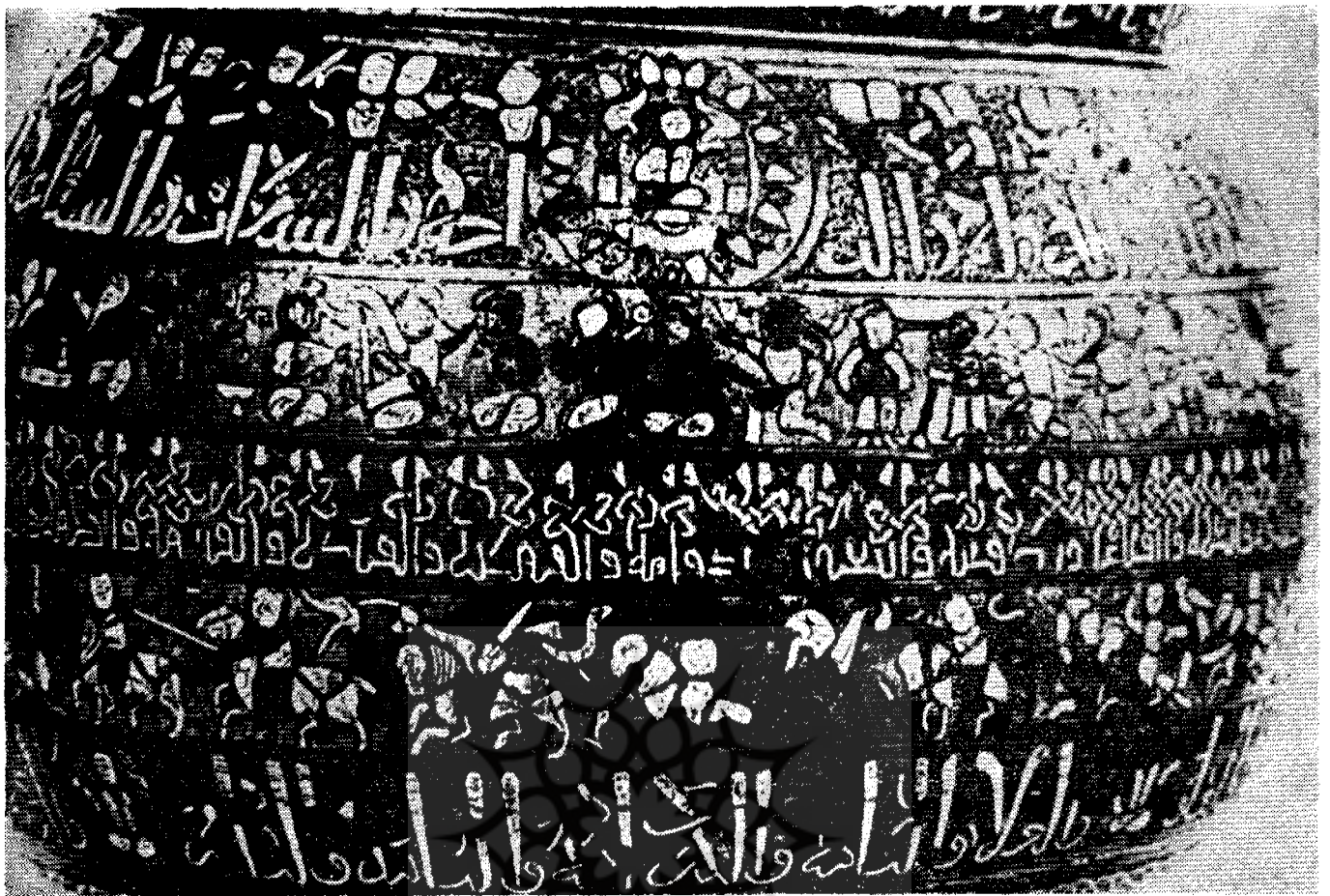
Ugo Monneret de Villard, Phyllis Ackerman the Relations of Manichaeism art to Iranian art.

۴ - در باب منبع اصلی این مطلب نگاه کنید به زیرنویس شماره ۲ مقاله دوویلارد ص ۱۸۲۰ ، نوشته های دو دانشمند آلمانی : فون لوکوک و مارکوارت .

۵ - همان مقاله و همان کتاب و زیرنویس شماره ۳ ص ۱۸۲۰ در باب منبع اصلی .

۶ - همان کتاب ص ۱۸۲۱ زیرنویس شماره ۵ در باب گراور این تصویرها .

۷ - همان کتاب زیرنویس شماره ۶ در باب اصل تصویر و گراور رنگی آن .



شعبان قلمزنی شده فلزی، بدون تاریخ احتمالاً قرن ششم یا هفتم (۱۳ یا ۱۴ هجری) متعلق به موزه کاخ گلستان. درینجا نیز نقش انسانها، مجلسهای گروهی رزم و مشاوره دیده میشود و تکامل نقش‌نگاری توجیهی مستدل را که در قرنهای بعد رکن اساسی کتابهای تاریخ و داستان در زمینه‌های ادبی با ملاحظه و مقایسه این سه طرف میتوان استدراک نمود، هر سه تصویر از کتاب پوپ صفحه‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ و ۱۳۱۶ اقتباس شده.

بسیار است^۸، درین دستنویسها قوانین مربوط به ساختن صومعه مانوی درج شده است و در همین جاست که مقرر می‌دارد در هر صومعه یا مؤسسه مذهبی دیگر مانوی باید اطاقی را خاص کتابهای مقدس و تصاویر نمود. صومعه‌های مانوی بر مینای این اسناد نه‌شبهه صومعه‌های بودائی (بهار یا او بهار) و نه نظیر صومعه‌های مسیحی است، این بناهای ترکستانی همه با اسلوب معماری ایران ساسانی که ما بدان قبلاً اشاره کردیم و گفتیم که در سراسر خراسان شرقی نیز اشاعه داشت ساخته شده‌اند. دامنه‌گسترش این نوع بناها که نمونه کامل



مجلس مشاوره شیر و حیوانات دیگر. کتاب کلیله و دمنه که از هند به ایران آمد و در قرن دوم هجری توسط عبدالله بن مقفع به عربی ترجمه شد، از همان بدو تولد مصور بود. این تصویر به یک نسخه کهن تعلق دارد، به عقیده گری چون کلیله و دمنه را همیشه مصور می‌ساختند. هنرمندان مسلمان مجوزی یافتند که کلیله و دمنه عربی را نیز با تصویرها بیارایند و این مقدمه‌ای شد برای ساختن مجلس در کتابهای دیگر از جمله شاهنامه فردوسی. این تصویر از ص ۳۴ کتاب مینیاتور ایرانی، گری، بینیون، ویلکسن اقتباس شده، به عقیده این دانشمندان همانطور که ایرانیان در کشیدن نقش حیوانات شکاری چون شیر و عقاب مهارت داشتند اعراب نیز در کشیدن نقش حیوانات فرمانبردار چون الاغ و شتر و بز ماهر بودند.

رتال جامع علوم انسانی

و نویسنده آن اسکار روتیر است.
۱۰ - وی سیمپسون W. Simpson در مقاله‌ای تحت عنوان بنیاد معماری هند و مشرق زمین در باب ریشه و مبانی معماری آریائی و نحوه گسترش آن مطالبی مستند ارائه می‌کند، نگاه کنید به ص ۱۸۲۲ کتاب پوپ (مجلد ۵) و زیر نویس شماره سوم آن.

مقاله چاوان در مجله آسیائی، مجلد یازدهم شماره اول سال ۱۹۱۳ صفحه ۱۰۵ می‌داند، عنوان این مقاله که بزبان فرانسوی است:
Un traité manichéen retrouvé en chine.

می‌باشد. بررسی هنر ایرانی، پوپ ص ۱۸۲۱.
۹ - نگاه کنید به ص ۵۰۱ تا ۵۰۳ جلد دوم کتاب بررسی هنر ایران، پوپ که به تفصیل در باب اساس و نهاد این نوع بناها سخن گفته و به عنوان نمونه قصر فیروزآباد را معرفی کرده است. عنوان مقاله تاریخ معماری ساسانیان

آن در فارس مشاهده می‌شود^۹، در اواخر عهد ساسانیان و قرون اولیه اسلامی به نواحی مشرقی ایران ساسانی رسید و از سوی دیگر نیز به مصر و آسیای صغیر و اروپا رفت، دو نمونه جالب آن را از نوع مشرقی در لاپ چوق و های یک، هردو نزدیک بلخ، می‌توان دید.^{۱۰}

۸ - همان مقاله که منبع اصلی خود را